



علامه جعفری علم و فلسفه و عرفان را متضاد نمی‌دید/ باروری همه قوا در عرفان مثبت

علامه جعفری به تضادی میان علم و فلسفه و عرفان قائل نبود و از عرفان مثبت و منفی سخن می‌گفت که در عرفان مثبت همه قوا (عقل و علم و عشق) توأمان بارور می‌شود، اما در عرفان منفی تنها یکی از ابعاد وجود انسانی.

علامه جعفری به تضادی میان علم و فلسفه و عرفان قائل نبود و از عرفان مثبت و منفی سخن می‌گفت که در عرفان مثبت همه قوا (عقل و علم و عشق) توأمان بارور می‌شود، اما در عرفان منفی تنها یکی از ابعاد وجود انسانی.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، نشست علمی «فلسفه انسان از دیدگاه علامه جعفری؛ آخرین نشست از برنامه های نخستین روز همایش روز جهانی فلسفه با موضوع «بررسی وضعیت فلسفه در ایران؛ بود که به مناسبت چهاردهمین سالگرد علامه جعفری و با حضور علی رافعی و منوچهر صدوقی سها، شب گذشته، سه‌شنبه 23 آبان‌ماه، در محل مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد.

بنا بر این گزارش، در این نشست علمی، علی رافعی، مدرس و پژوهشگر عرفان اسلامی و از شاگردان علامه جعفری، به بیان سخنانی درباره سلوک علمی و عملی علامه جعفری پرداخت و اظهار کرد: سخن درباره علامه ابعاد زیادی دارد؛ علامه مجموعه علوم را در محوریت انسان قبول داشت و از منظر او فلسفه، عرفان و یا هر علم دیگری که در سازندگی شخصیت انسان و پیش بردن و تعالی او تأثیری نداشته باشد، هیچ ارزشی ندارد.

وی با بیان این که از دیدگاه علامه جعفری حتی محور قرآن و رسالت انبیاء نیز انسان بوده است، گفت: از منظر علامه دانستن این علوم، بدون آن که تأثیری بر شخصیت انسان بگذارند، بی‌اثر و بی‌ارزش است. نکته‌ای که علامه جعفری همواره بدان تأکید داشت، چیره شدن انسان بر «من؛ درون است و این علوم باید «من؛ الهی منسوب به «وَتَقَحَّتْ فِیْهِ مِنْ رُوحٍ؛ را از لابلای «من؛ های دیگر بیرون بکشد و کمال دهد.

رافعی ادامه داد: علامه همواره تأکید می‌کرد که با «من؛ خود مسئله را حل کنید و خود نیز چنین کرده بود. همه ما به عنوان عالم و فیلسوف و اهل معرفت، مزایایی را برای خود تصور می‌کنیم، اما باید توجه کنیم که اینها موجب تبلور من و ما نشود و باید حقیقتاً دریابیم که به تمام هستی بهره کمی از علم الهی داده شده، چه رسد به ما؛ «وَمَا أَوْتِیْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِیلًا؛ (اسراء/85).

وی تصریح کرد: علامه جعفری بر آن بود که اگر انسان بخواهد به کمال برسد، باید مجموعه ابعاد وجودی او به کمال برسد، نه آن که فقط عقل یا فقط قلب خود را بارور کند، چرا که تضادی بین عقل و قلب وجود ندارد. علامه در سخن پایانی همایش بزرگداشت ابن‌سینا در دهلی‌نو به حضار گفت: عده‌ای در اینجا ابن‌سینا را فیلسوف مشائی محض معرفی کردند، عده‌ای (با توجه به نط 9 و 10 اشارات) وی را عارفی کامل دانستند و عده‌ای او را بزرگ اطبای دوران خواندند و همه اینها نشان می‌دهد که تضادی بین علم و فلسفه و عرفان وجود ندارد.

این مدرس عرفان اسلامی با بیان این‌که علامه جعفری معتقد بود که اگر انسان بخواهد به نقطه کمال برسد، باید مجموعه ابعاد وجودی خود را رشد دهد، گفت: به عقیده بنده خود علامه جعفری، مصداق همان تعریفی است که درباره ابن‌سینا گفته است؛ ایشان نسبت به یادگیری هر علمی اظهار علاقه می‌کرد و دوست نداشت به عنوان عارف مطرح باشد، زیرا معتقد بود که نخستین نیاز جوانان پختگی از لحاظ عقل و اندیشه است و از همین رو از بیان مطالبی که انسان را به مرز ادعا برساند، پرهیز می‌کرد.

وی در ادامه سخنان خود با اشاره به برخی از دیدگاه‌های علامه جعفری در حوزه عرفان گفت: علامه جعفری ایده مشهور جدا کردن عارف از صوفی را نمی‌پذیرفت و معتقد بود اگر به این تفکیک قائل باشیم، به جایی نمی‌رسیم و در مصداق نیز دچار مشکل خواهیم شد. به عقیده علامه ما فقط می‌توانیم از عرفان مثبت و منفی و ویژگی‌های آنها صحبت کنیم و به جای دعا بر روی الفاظ، انسان‌ها و فرقه‌ها را با معیارها تطبیق دهیم.

رافعی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به برخی از ویژگی‌های عرفان مثبت و منفی از منظر علامه جعفری عنوان کرد: عرفان مثبت انسان را از منیت خود خارج می‌کند و عرفان منفی با منیت و ادعا همراه است؛ در عرفان مثبت، قوانین شریعت باردار مفاهیم معرفتی می‌شود و عبادات نه حذف، بلکه معنادار می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: برای رسیدن به حقیقت باید روح شریعت قوی‌تر شود و تفاوت ما با بزرگان عرصه عرفان آن است که شریعت آنها معنادارتر و شریعت ما قالبی‌تر است و با توجه به تحقیق وسیعی که بنده کرده‌ام، سخن #171؛ چون حقیقت آمد شریعت برافتاد؛ را هیچ يك از بزرگان عالم عرفان نگفته‌اند.

این پژوهشگر عرفان اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار کرد: تفاوت دیگر عرفان مثبت با عرفان منفی از منظر علامه جعفری آن است که در عرفان مثبت همه قوا (عقل و علم و عشق) توأمان بارور می‌شود، اما در عرفان منفی تنها یکی از ابعاد وجود انسانی بارور می‌شود.

وی در پایان سخنان خود گفت: علامه همواره این ابیات را با ترنم می‌خواند که: خداخوان تا خدادان فرق دارد/ که حیوان تا به انسان فرق دارد* بدینسان از خدادان تا خدایاب/ ز انسان تا به سبحان فرق دارد* محقق را مقلد کی توان گفت/ که دانا تا به نادان فرق دارد.